

مبارزه با مفاسد اقتصادی: دوم، سوم

دوم آنکه مبارزه با فساد، برخلاف تصور برخی افراد، محل سرمایه‌گذاری اقتصادی نیست. «بعضی خیال می‌کنند که برخورد با مفاسد اقتصادی، محل امنیت اقتصادی است... این درست نقطه‌ی مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد. غیرمفسد کیست؟ اکثریت مردم. مفسد اقتصادی تعداد معدودی هستند؛ سوءاستفاده‌چی‌ها. با اینها برخورد سخت بشود تا اکثر مردم... احساس کنند دارای امنیتند...» (۱۳۸۶/۰۴/۰۷)

سوم آنکه برخورد با فساد، به «اقدام و عمل به هنگام» نیاز دارد؛ نه «شعار و حرف»: «اسم فساد زیاد آورده می‌شود. حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد... بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ [اگر] بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیریم.» (۱۳۹۴/۰۲/۰۹)

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۶۲ / دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۷

بلندگوی جنگ در دست دشمن!

کیهان: ۱- در حالی که سرنخ اصلی تمامی بی‌نظمی‌های اقتصادی به سوء مدیریت دستگاه‌های دولتی و عوامل رانت‌خوار پشت پرده مدیریتی بر می‌گردد؛ باید با کسانی که سیاست‌گذاری غلط کردند و راه را برای ورود افراد فرصت‌طلب و رانت‌خوار باز کردند قاطعانه برخورد شود. ۲- مگر در تهاجم نظامی هر کس که به جبهه دشمن کمک کند به عنوان خیانت‌کار جنگی مورد محاکمه قرار نمی‌گیرد. چرا با خیانت‌کاران و سوداگران جنگ اقتصادی با مسامحه برخورد می‌شود؟ ۳- چرا میدان جنگ اقتصادی مدیریت نرخ سکه و ارز به دشمن واگذار شده؟ چرا علیرغم چند برابری قیمت فروش سکه نسبت به زمان ثبت‌نام محدودیتی برای تحویل سکه اعمال نمی‌شود؟! ۴- در حالی که دشمن با تمام توان و با تشکیل اتاق جنگ ۳۸۰ نفره به جنگ اقتصاد کشور برخاسته است؛ آیا برای مقابله با این تهاجم گسترده دشمن، تشکیلاتی متناسب تدارک دیده است؟! ۵- اینکه توانمندی دلالت و منفعت‌طلبان از توانمندی مدیران دستگاه‌های اجرایی سبقت گرفته و دست برتر مدیریت بازار از آن متجاوزان به حقوق مردم است، حاکی از ناتوانی تیم اقتصادی است، و این بیانگر این واقعیت است که ادامه این رویکرد غلط مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی، تاکنون جز دامن زدن به مشکلات مردم نتیجه دیگری در بر نداشته است. اکنون زمان آن فرا رسیده است که اعضای تیم اقتصادی اعم از بازیگران روی صحنه و پشت صحنه و اعضای ناکارآمد دولت همان‌گونه که ۱۹۳ نماینده مجلس درخواست نموده‌اند راه را برای نیروهای توانمند و برنامه‌محور باز کنند.

با پذیرش شرایط FATF ابزار تحریم را از آمریکا می‌گیریم!

آفتاب یزد: ما باید با سیاست‌های بخردانه‌ای از جمله پذیرفتن FATF بن‌های تحریم را از آمریکایی‌ها بگیریم. واضح است که اتفاقاتی که طی دو سه ماه اخیر در اقتصاد ایران افتاده که از جمله آنها می‌توان به افزایش قیمت‌ها در بازارهای ارز، طلا، سکه و... اشاره کرد، در نتیجه تحریم‌های آمریکاست اما مسئله اینجاست که ما نباید خودمان را تحریم کنیم. اگر ما FATF را که بحث شفافیت اقتصادی است بپذیریم، این مسئله به شدت به نفع اقتصاد کشورمان است و می‌توان پیش‌بینی کرد که پس از آن قیمت هر دلار در بازار آزاد حداقل هزار تومان کاهش یابد!

سکوت دولت، ناامیدی مردم

بهار: اکنون همه منتظر پاسخگویی دولت هستند. چشم‌ها خیره به نهاد ریاست‌جمهوری است تا رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی رو در رو با مردم، پاسخگوی این حجم از مشکلات باشد. به عقب بازنگردیم؛ این شعاری بود که حسن روحانی در خلال انتخابات ریاست‌جمهوری داد و از ابتدای ورودش به نهاد ریاست‌جمهوری خود را مدافع امیدواری مردم اعلام می‌کرد، اما اکنون با گذشت چندین ماه از التهابات بازار همچنان می‌بینیم که نه تنها هیچ سخنی با مردم ندارد بلکه با بی‌توجهی به هشدارهای داده شده نمی‌خواهد اقدام موثری در جهت ترمیم کابینه خود کند. اکنون زمان پافشاری بر تصمیمات خود نیست چراکه در سایه سکوت رئیس‌جمهور، صداهای اعتراضی از گوشه و کنار شهرهای مختلف شنیده می‌شود که می‌تواند شرایط را برای دولت خطرناک‌تر کند... سکوت دولت در کنار تلاطم بازار این شائبه را ایجاد می‌کند که گویی دولت خود منتظر به نتیجه رسیدن بخش اول تحریم‌های آمریکاست. این چنین که دولت بعد از خوابیدن گرد و خاک تحریم‌ها تازه ببیند ابزاری در دست دارد و چه می‌تواند بکند. هر چند سکوت دولت این شایعه را هم در جامعه متبادر کرده که دولت توان کنترل و هدایت شرایط موجود را ندارد و زمام امور را از دست داده است.

عبور از دولت، طعنه به نظام

صبح نو: صحبت‌های تازه رییس دولت دوم خرداد به نوعی عبور از دولت و هشدار به نظام را تداعی می‌کند. استراتژی جدید نامبرده به نظر واکنشی به افزایش اعتراض‌ها به ناکارآمدی دولتی و عقب نیفتادن از این جریان اعتراضی است درحالی‌که دولت آقای حسن روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶ با حمایت اصلاح‌طلبان روی کار آمد. اصلاح‌طلبان پس از آشوب‌های دی‌ماه، دچار سردرگمی در تعیین سیاست شدند. آن‌ها درعین حال باید پاسخگویی عملکرد دولت روحانی هم می‌بودند. چنین چالشی برای آن‌ها بی‌سابقه بود. آن‌ها باید مواضع خود را هم در مقابل مردم، هم حاکمیت و هم دولت تنظیم می‌کردند. اعتراض‌های پراکنده و محدود تابستان ۹۷ اما فرصت تازه‌ای برای رییس دولت اصلاحات ایجاد کرد که به مصاف چالش پیش رو برود. چنین بود که او در سخنرانی جدید، سعی کرد با نظام فاصله‌گذاری کند و به نصیحت حاکمیت پردازد. گویی او یک نیروی خارج از قدرت است که نه سهمی از سیاست رسمی دارد و نه نقشی در قدرت عینی. انگار نه انگار که فراکسیون امید در مجلس، شورای شهر و شهردار تهران و قوه مجریه همگی برآمده از حمایت او و هم‌پیمانانش هستند. او درحالی‌که سخن از ترمیم کابینه می‌گوید و از مشکلات اقتصادی گلایه می‌کند که گویی دولت روحانی سنخیتی با آن‌ها ندارد. چنین فراری بی‌نظیر است. درعین حال توصیه‌های او به نظام و درخواست‌هایش از رهبری، نوعی سوءاستفاده از اعتراض‌ها برای نشستن در جایگاه «سر» و «لیدر» آن‌هاست. انگار خاتمی و دوستانش به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید سردسته مخالفان خیابانی سیاست‌های اقتصادی باشند که این خودش یک طنز است؛ اصلاح‌طلبان به آنچه خود متولد کرده‌اند می‌تازند. هرچه هست اما این سخنرانی به نظام سیاسی این اجازه را می‌دهد که به‌مثابه یک غریبه به او بنگرد و او را مساوی کسی قرار دهد که سعی دارد در موضع اپوزیسیون جایگاه بگیرد.

ناآگاهی یا ناتوانی؟

وطن امروز: اقتصاددانان ایرانی با همه تمایزاتی که دارند، در زمینه جهش نرخ ارز بر این مساله اتفاق نظر دارند که محرک اصلی این وضعیت حجم بسیار بزرگ نقدینگی در کشور است. عده‌ای از سیاسیون در کشور هم همین نظر را پذیرفته‌اند اما عده دیگری که در رأس آنها اعضای «فراکسیون امید»، بخش بزرگی از «اصلاح‌طلبان» و «حامیان و اعضای دولت محترم تدبیر و امید» قرار دارند، کماکان به قرائت‌های مختلف در حال تکرار همان چیزی هستند که علی مطهری، در اظهارنظری مقصر وضعیت کنونی ریال را سپاه پاسداران به جرم موشک‌پراکنی به سمت داعش و سایر دلوپسان و منتقدان برجام، معرفی کرده‌اند. اما دسته اول به اتکای آمار و ارقام و بینات اظهارمن‌الشمس به این مهم اشاره می‌کنند که حجم نقدینگی در ۵ سال زمامداری جناب روحانی تقریباً ۳ برابر شده است. یعنی در عرض ۵ سال تقریباً هزار هزار میلیارد تومان به نقدینگی در کشور افزوده شده است. این نقدینگی که تا قبل از پاییز سال ۹۶ به شکل عمده در قالب «شبه‌پول» بود، پس از تصمیم نابهنگام بانک مرکزی برای «کاهش نرخ بهره سپرده‌های بانکی به ۱۵ درصد»، آرام‌آرام راه بازارهایی با بهره‌وری بالاتر را در پیش گرفت و زمستان همان سال نخستین نشانه‌های حضور خود را با یک شوک ارزی بروز داد. پس مساله به‌روشنی بی‌ربط به بازگشت تحریم‌های آمریکا است. این، در کنار این واقعیت که هنوز تحریم‌های معلق شده آمریکا بازنگشته‌اند و آبان ماه این اتفاق به شکل کامل رخ خواهد داد، نشانه محکم دیگری بر بی‌اساس بودن تصور عده‌ای از سیاسیون در رابطه با نقش تحریم‌های آمریکا- که آنها حاصل موشک‌پراکنی سپاه و نقد منتقدان می‌دانندش! در این بی‌ثباتی شدید ارزی است. اگرچه برجام در حوزه تسهیل فعل و انفعالات مالی آورده خاصی برای ایران نداشت و به اعتراف رئیس سابق بانک مرکزی، آورده آن برای ایران در این زمینه تقریباً هیچ بود اما دولتمردان و سیاسیون همراه آنها چیزی برخلاف این را به خورد افکار عمومی می‌دادند و برای مقاصد داخلی، چیزی که نبود را به مساله‌ای با حضوری پر قدرت تبدیل می‌کردند و حالا هم رفع شرایط آسانی را که از ابتدا هم موجود نبوده به موشک‌پراکنی و کارشکنی عده‌ای در داخل نسبت می‌دهند. این فرافکنی بزرگ هیچ تاثیری بر آنچه در عالم واقع رخ می‌دهد نخواهد داشت و تنها فایده‌ای که برای دولت دارد، فراهم ساختن زمینه‌ای برای گریز از بار مسؤولیت عملکرد ضعیف و غلط اقتصادی آن است. علی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی هنوز متوجه نشده آنچه در ایام انتخابات دوره‌های یازدهم و دوازدهم ریاست‌جمهوری به خورد افکار عمومی داده شد، یکسری ادعاهای پوچ و بی‌اساس بیش نبوده است. جناب ایشان تمام این تبلیغات را کماکان باور دارند.

تحریم و استقامت ملی

شرق: «ریچارد نفیو»، مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران، در کتاب هنر تحریم‌ها درباره درک آثار تحریم و درد ناشی از آن در کشور هدف، از واژه «استقامت» استفاده می‌کند. او واژه استقامت را به‌عنوان قاطعیت روان‌شناختی کشور هدف، برای انکار پیروزی تحریم‌کننده تعریف کرده و تأکید می‌کند اساساً تحریم‌ها برای درهم‌شکستن این قاطعیت روان‌شناختی

وضع می‌شود. توجه به این نکته از آن رو ضروری است که نشان می‌دهد در کنار مشکلات عدیده درون کشور، نارضایتی‌های ناشی از شکاف فزاینده انتظارات و امکانات، اعتراضات مردمی و موارد دیگر، دشمنی هوشمند و با برنامه فروپاشی روانی، جامعه را هدف قرار داده است. در این شرایط ویژه یک ضرورت انکارناپذیر، گفت‌وگوی بی‌واسطه با مردم است؛ مردمی که در شرایط سخت اقتصادی به سر می‌برند و دیوار اعتماد میان آنان و دولت (به معنای عام) بلندتر شده است.

مسئولان تأمین منافع عربستان!

جوان: تاریخ سیاسی پاکستان و رویکرد این کشور در قبال ایران، نشان می‌دهد سیاست اصلی این کشور طی چهار دهه اخیر در بیشتر مواقع منطبق بر حداکثرسازی منافع اسلام‌آباد و پاکستان نداشته است. گرچه این همسایه ایران بارها از توجه به این مهم گفته است، اما در نهایت، منویات سعودی‌ها پای تصمیمات سیاستمداران پاکستان زیرنویس شده است. «ایران» در مسائل سیاسی پاکستان، یک فاکتور بسیار مهم است. انتخابات پارلمانی پاکستان حالا یک تغییر بزرگ را به اتمسفر سیاسی این کشور وارد کرده است؛ جایی که منتقد بزرگ سیاست‌های منطقه‌ای عربستان به‌عنوان جناح پیروز اکثر کرسی‌های مجلس این کشور را از آن خود کرد. «عمران‌خان» پیروز انتخابات پارلمانی پاکستان، عربستان و امارات را بیشتر از همه نگران کرده است، عمران‌خان بارها در سخنرانی‌های از لزوم تقویت رابطه با ایران گفته است. وی به‌تازگی احیای خط لوله صلح را نشانه رفته که می‌تواند خیر خوبی برای ایران باشد، به شرط آنکه در ایران هم اراده‌ای برای آغاز صادرات گاز به پاکستان وجود داشته باشد. وزارت نفت در قبال این موضوع کاملاً در انفعال به سر می‌برد؛ انفعالی پنج‌ساله که پس از اظهارات اخیر رجب طیب اردوغان به‌خوبی از بی‌توجهی وزارت نفت به منافع ملی خبر می‌دهد.

